

## رهیافتی به منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

### در حوزه پاسخگویی به سؤالات و شبهات (۲)

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه علمیة قم\*

#### مقدمه

بدون شک یکی از مهم‌ترین عناصر موفقیت در هر کار، انضباط و برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی به انسان در شناخت بهتر ظرفیت‌ها، امکانات، محدودیت‌ها کمک می‌کند و فرد و سازمان را در استفاده بهینه از زمان و منابع، چابک‌تر و توانمندتر می‌سازد؛ در این راستا پروژه‌های علمی و فرهنگی نیاز بیشتری به برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد و غفلت از این امر به تضییع منابع و امکانات مادی و معنوی و از دست‌رفتن فرصت‌های ارزشمند منتهی می‌شود. شناخت، تحلیل و پاسخگویی به شبهات هم از این قاعده مستثنا نیست، بلکه اهمیت افزون‌تری دارد؛ زیرا ورود شبهه به سیستم فکری و روانی فرد و جامعه ممکن است به سرعت باعث فروپاشی نظام اعتقادی و ارزشی شده و آسیب‌های جدی به دینداری مؤمنان وارد سازد. برنامه‌ریزی برای شناخت شبهات و پاسخگویی به‌هنگام، عالمان و نهادهای دینی را برای شناخت به‌موقع و پاسخگویی دقیق و علمی یاری می‌رساند و زمینه بهره‌جستن بهینه و بیشینه از منابع و امکانات مادی و معنوی را در این عرصه مهیا می‌کند. مقام معظم رهبری در سخنان خود همواره مراکز و نهادهای دینی، به‌ویژه حوزه‌های علمیه را به کارهای



منظم، منضبط و برنامه‌ریزی شده در عرصه پژوهش و تبلیغ دینی سفارش کرده و این امر را از اهم اولویت‌ها برشمرده‌اند. در ادامه به بخش‌هایی از سخنان معظم‌له در این باره اشاره می‌کنیم.

## برنامه‌ریزی و ساماندهی برای پاسخگویی به شبهات

### ۱. شناخت وضعیت جامعه (به تفکیک مناطق) از جهت وجود و شیوع

#### شبهات

یک سلسله مسائل دیگر هم، در کنار اینها [مسائل مادی] هست که وقتی ما، با شما آقایان محترم علما روبه‌رو می‌شویم و حرف می‌زنیم، نمی‌توانیم این مسائل را از نظر دور بداریم و قهراً توجه خود را به این مسائل هم منعطف می‌کنیم. آن مسائل چیست؟ عبارت است از مسائل فرهنگی، دینی و اعتقادی مردم... بخش عمده‌ای از این کارها، بر عهده آقایان علماست. ای کاش که در این باره هم، آماری وجود داشت! من گله‌ای ندارم از اینکه چرا گزارش داده نمی‌شود و چه کسی می‌تواند گزارش دهد؛ چه کسی می‌تواند از روی آمار و با تکیه بر حقایق، بگوید الآن در اینجا، وضع مردم از لحاظ دینی، معرفتی، شیوع و سریان یا عدم شیوع و سریان شبهات دینی در ذهن‌های جوان‌ها و از لحاظ پایبندی به مفاهیم اسلامی و انقلابی، در چه حدی است؟ چرا؟ چون آماری وجود ندارد و ما کمتر دنبال این قضایا رفته‌ایم! ما باید دنبال این قضایا برویم.<sup>[۱]</sup>

جبهه مقابل ما دارد برای همه برنامه‌ریزی می‌کند. حالا این غیر از تبلیغاتی است که رادیوها و تلویزیون‌ها می‌کنند؛ کارهای سیاسی و فشارهای سیاسی؛ یعنی واقعاً ما الآن یک جنگ غیرنظامی به معنای حقیقی کلمه داریم. حالا در این جنگ، روحانیت و حوزه علمیه قم کجاست؟ واقعاً روی این باید فکر کرد.<sup>[۲]</sup>

### ۲. تدوین برنامه برای تأمین اهداف

... من، چهار انتظار را مطرح کردم که حوزه علمیه پاسخگو باشد. حالا شما بفرمایید که حوزه با شکل و سازماندهی کنونی، می‌تواند پاسخگو باشد؟ پاسخ من منفی است. شما هم همین جواب را می‌دهید. من، خودم طلبه هستم و از حوزه منسلخ



[چرا] نیستم و حوزه را خوب می‌شناسم و در آن بودم و زندگی کردم و درس خواندم و بعد هم بی‌ارتباط با حوزه نبودم. حوزه‌های ما با وضع کنونی نمی‌تواند آن انتظارات را پاسخ دهد؛ مگر در آن برنامه‌ریزی شود و طرح نوینی افکنده و دنبال گردد.<sup>[۳]</sup>

اگر سؤال شود با این منبع عظیم اسلامی و با این متد هزار ساله تجربه‌شده و تحقیق حقیقتاً شگفت‌آور - که گاهی تحقیقات این فقها، از نظر ظرافت و دقت و ژرف‌نگری، واقعاً شگفت‌آور است - و به‌خصوص آن فقه پیچیده‌ای که در شیعه است (فقه برداران اهل سنت نسبت به فقهی که در بین علمای شیعه است، آن پیچیدگی و فنی‌گری را ندارد. این، خیلی فنی‌تر و پیچیده‌تر و عمیق‌تر است. البته، فقهای ما کار عظیمی در این باب کردند که به‌هرحال، همه‌اش متعلق به اسلام است)، پاسخ ذره‌ذره و دانه‌دانه مسائل زندگی چیست؟ شما و همه ما در جواب خواهیم ماند؛ یعنی ما امروز به فراخور نیاز و استفهامی که وجود دارد، پاسخ حاضر نداریم. غالباً هم معادن عظیم و غنی از جنس‌های فاخر در اختیارمان است؛ اما پولی را که بشود در بازار دست این و آن داد و خرجش کرد، نداریم.

چه کسی می‌خواهد این کارها را بکند؟

... مسئله این است که آیا روال جاری و موجود حوزه‌های علمیه، برای پاسخ‌دادن به این نیازها کافی است؟ جواب این است که نه، کافی نیست. باید از چارچوب‌های مستحکم و استخوان‌بندی قوی حوزه علمیه و از امکانات فراوان فکری و معنوی‌ای که در این مراکز است، وسایلی برای فراهم کردن پاسخ‌های این استفهام‌های فراوان و ساختن انسان‌هایی که بتوانند مثل چشمه‌های جوشانی از معارف و احکام بجوشند و نیازها و خلأها را پر کنند، ساخت.<sup>[۴]</sup>

اینها، بدون برنامه‌ریزی، آسان نیست!... یک وقت، ممکن است کاری با برنامه‌ریزی، مثلاً در ظرف ده سال تحقق پیدا کند؛ اما همان کار، بدون برنامه‌ریزی، در ظرف صد سال پیش بیاید؛ به‌تدریج، یک نفری پیدا بشود یک کاری بکند؛ تصادفاً، دیگری پیدا بشود [که] کار او، مکمل کار این بشود. چقدر دوباره کاری‌ها، چقدر تکرارها، چقدر تناقض‌ها [پیش می‌آید]؛ با برنامه‌ریزی، اینها برطرف می‌شود. این، یک مسئله بسیار مهم و یک نیاز بسیار اساسی است.<sup>[۵]</sup>



### ۳. ساماندهی و به‌کارگیری ظرفیت‌ها

#### الف) جریان‌سازی برای رفع شبهات

مرحوم شهید مطهری نمونه‌ی یک شخصیت روحانی متناسب با زمان است که می‌تواند در چالش اول، کار درست بکند و اقدام به‌جا انجام دهد. البته شبیه ایشان باز هم داشتیم و بحمدالله امروز هم داریم. امروز در قم فضایی جوانی به این کارها مشغول هستند؛ خوب هم مشغول هستند؛ من با بعضی از آنها و آثارشان آشنایم؛ اما این در حوزه‌های ما باید به صورت یک جریان اصیل دربیاید. همه باید خود را با این حرکت و این جریان آشنا کنند.<sup>[۶]</sup>

#### ۱) الگوسازی از بزرگان در پاسخ‌گویی

##### علامه طباطبایی

... کسی مثل مرحوم علامه طباطبایی رحمته‌الله در حوزه علمی قم پیدا شد؛ ایشان، هم فقیه بود و هم اصولی؛ هم می‌توانست درس خارج فقه مفصلی بدهد؛ هم می‌توانست درس خارج اصول مفصلی ترتیب دهد و فضلا را جمع کند؛ اما او به کاری پرداخت که آن روز آن را لازم می‌دانست. بعد هم حوادث و وقایع شهادت داد بر اینکه اینها لازم است. او گفت من می‌بینم که دارند تفکرات و فلسفه کاذب مارکسیستی را در ذهن‌ها جا می‌دهند؛ نمی‌شود با توضیح المسائل اینها را پاسخ دهیم؛ توضیح المسائل جای خودش را دارد؛ جواب این شبهه‌ها را با چیز دیگری باید داد. ایشان «اصول فلسفه و روش رئالیسم» را نوشت.<sup>[۷]</sup>

##### شهید مطهری

یکی از تربیت‌شده‌های او [علامه طباطبایی]، مرحوم شهید مطهری رحمته‌الله است. کاری که شهید مطهری کرد، امروز باید همه فضایی جوان درصدد باشند خود را برای آن آماده کنند؛ و اگر آماده هستند، اقدام کنند. شهید مطهری به عرصه ذهنیت جامعه نگاه کرد و عمده‌ترین سؤالات ذهنیت جامعه جوان و تحصیل کرده و روشنفکر کشور را بیرون کشید و آنها را با تفکر اسلامی و فلسفه اسلامی و منطق قرآنی منطبق کرد و پاسخ آنها را در سطوح مختلف در مقابل افراد گذاشت.<sup>[۸]</sup>

## ۲) ظرفیت‌شناسی و فعال‌سازی ظرفیت‌ها

فکر اسلامی به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی مورد چالش جدی قرار گرفته و این روند ادامه خواهد یافت. ما باید خود را آماده کنیم و با توجه به سرمایه‌های عظیم فکری و فرهنگی‌ای که در اختیار ما است اگر از همه امکانات خوب استفاده کنیم در این مصاف پیروز خواهیم شد. خوشبختانه در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها، فضلا، علما، دانشمندان و افراد صالح و شایسته از نظر علمی و فکری وجود دارند و باید حضور خود را در این میدان‌ها گسترش دهند و با امواج تبلیغاتی و شبهات جدید مقابله کنند و وظیفه خود را نسبت به اسلام ادا نمایند.<sup>[۹]</sup>

همان‌طور که عرض کردم، ما به مطهری‌هایی در دهه‌های آینده احتیاج داریم. سرمایه غنی و تمام‌نشدنی‌ای که امروز از فرهنگ اسلامی در اختیار ماست، در این مصاف، امکانات خیلی فراوانی در اختیار ما می‌گذارد؛ اگر ما اهل استفاده از اینها باشیم. حقیقتاً یک زرادخانه عظیم فکری و فرهنگی در اختیار ماست؛ اگر بتوانیم از آن درست استفاده کنیم. امروز خوشبختانه فضایی جوانی هستند؛ من می‌بینم. در حوزه قم، در تهران، فضلا، علما، افراد صالح، شایسته، از لحاظ علمی، از لحاظ بلندنظری و فکر قوی وجود دارند؛ باید وارد این میدان‌ها شوند و حضور در این میدان‌ها را گسترش دهند. امروز از دوره فعالیت مرحوم شهید مطهری - یعنی سال‌های دهه چهل و پنجاه - نیاز ما به مراتب بیشتر است. آن‌روز نیاز ما یک‌طور بود، امروز نیاز ما بسیار وسیع‌تر و عمیق‌تر است و لازم است این جریان ادامه پیدا کند.<sup>[۱۰]</sup>

## ۳) ایجاد آمادگی گسترده برای پاسخگویی در حوزه‌های علمیه

امروز حوزه نباید در صحنه‌های متعدد فلسفی و فقهی و کلامی در دنیا غائب باشد. این همه سؤال در دنیا و در مسائل گوناگون مطرح است؛ پاسخ حوزه چیست؟ نه باید غائب باشد، نه باید منفعل باشد؛ هر دو ضرر دارد. فکر نو لازم است، پاسخ به نیازهای نوبه‌نو لازم است که دارد مثل سیل در دنیا مطرح می‌شود؛ باید شما برایش جواب فراهم کنید. جواب شما باید ناظر باشد به این نیاز و نیز ناظر باشد به پاسخ‌هایی که مکاتب و فرقه‌های گوناگون می‌دهند. اگر از جواب‌های آنها غافل باشید، پاسخ شما نمی‌تواند کار خودش را انجام دهد. باید پاسخ قوی، منطقی و قانع‌کننده بیاورید وسط.





باید پاسخ‌ها در دنیا مطرح شود. دائم بایستی صادرات قم - همان‌طور که عرض کردیم، این قلب معرفتی دنیای اسلام - پمپاژ بشود. امروز خوشبختانه وسائل ارتباطی سریع در اختیار همه هست. شما می‌توانید اینجا اقدامی بکنید، در آن طرف دنیا در همان ساعت از شما بشنوند و استفاده کنند.<sup>[۱۱]</sup>

#### ب) ایجاد بسترهای علمی مورد نیاز در حوزه

الآن، بحران‌های ناشی از تهاجم فرهنگی دشمن، وجود دارد... و حوزه، باید خودش را آماده کند برای این کار... این را هم به شما عرض بکنم: این درس فقه و اصول و استدلال و خارج، جزء اوجب واجبات است؛ اما این، جواب آن [تهاجم] را هم نمی‌دهد! نه اینکه اگر گفتیم: «این، جواب آن را نمی‌دهد!»، یکی بگوید: «آقا! شما با درس خارج و با فقه استدلالی مخالفت کنید!» نه خیر! بنیة اصلی و استخوان‌بندی حوزه، فقه است؛ در این، شکی هم نیست؛ باید هم این استدلال و این دقت و این فقاقت، روزبه‌روز، قوی‌تر بشود؛ اما جواب آن کار را، این فقاقت شما نمی‌دهد؛ نه خود فقاقت می‌دهد؛ نه مقدماتش!

... یک وقت، آقای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در اوایل وزارتش، به اینجا آمده بود. به او گفتم: «شما بدانید که من حقیقتاً با بیان شبهات، هیچ مخالفت ندارم؛ به شرط اینکه ما کسانی را آماده به کار داشته باشیم که بنویسند؛ در آن صورت، استقبال هم می‌کنیم. کلام در این است که آیا ما الآن کسانی را داریم و آمادگی‌هایش هست که بتوانند آن حرف درست را بزنند؟ با توجه به این، باید تصمیم بگیریم!».<sup>[۱۲]</sup>

#### ۱) رواج درسی‌های فلسفه، کلام و تفسیر

هویت علمی حوزه هم نکته مهمی است؛ منحصر به فقه و اصول نیست. فقه و اصول خیلی مهم است، در این شکی نیست. قبلاً هم ما گفتیم ستون فقرات حوزه‌های ما فقه است؛ اما این معنایش این نیست که ما به فلسفه احتیاج نداریم. امروز بیش از گذشته به فلسفه احتیاج داریم. روزی بود که ملاهای بزرگ ما، مجتهدین بزرگ ما برای تحصیل فلسفه شدّ رحال [سفر] می‌کردند، مثل آخوند خراسانی که در سبزوار پیش حاج ملاهادی رفت و زانو زد و فلسفه خواند، یا بزرگانی از فقها و اصولیین ما که رفتند فلسفه خواندند و آن را فرا گرفتند. امروز از آن خیلی بیشتر احتیاج داریم. آن



روزی که مرحوم علامه طباطبایی در نجف پیش مرحوم آسیدحسین بادکوبه‌ای فلسفه می‌خواند، آن روز نیاز به فلسفه اسلامی به مراتب کمتر از امروز بود که این همه مکاتب گوناگون، این همه افکار جدید، این همه شبهه، این همه پیشنهاد فکری در دنیا مطرح است؛ آن هم با این روابط و ارتباطات آسان و سریع؛ با اینترنت و با بقیه وسایل، کتاب و مجله و چه و چه؛ بنابراین به فلسفه احتیاج است. نه فقط به فلسفه، به علوم دیگر هم در حوزه قم نیاز است.<sup>[۱۳]</sup>

نباید کسی بگوید: «ما کلام را یاد می‌گیریم؛ فلسفه، دیگر چیست؟!» نه‌خیر؛ کلام در یکجا مشکل‌گشا است؛ اما وقتی بنای زور آزمایی و کشتی‌گرفتن با فلسفه‌های غربی باشد، فلسفه لازم داریم! وقتی این را نداشته باشید، یک فلسفه‌نمای بی‌سواد، در فلان محیط دانشگاهی پیدا می‌شود [و] یک گروه سیاسی هم، به خاطر پیروزی در انتخابات، به مصلحت خود می‌بیند از این فیلسوف‌نما، حمایت و پشتیبانی کند؛ در این صورت، مگر می‌شود گفت بالای چشم این فیلسوف‌نما، ابروست؟! هر چه بگوییم، می‌گویند: «اینها سیاسی‌اند! و در محیط‌های علمی هم، دیگر جرئت نمی‌کنند نقدش کنند!

اگر فلسفه‌دانی وجود داشته باشد، در چارچوب استدلال و برهان فلسفی و منطقی، می‌شود رفت و کشتی‌گرفت و اینها راه، خرد و خمیر کرد! خیلی از مباحثی که بعضی از آقایان نوگرا که چهار کلمه فلسفه غربی خوانده‌اند، می‌خواهند راجع به اسلام و همه مبانی دینی اظهار نظر کنند، مبتنی بر مبانی فلسفه‌ای است که پنجاه سال است در اروپا، منسوخ شده؛... اما اینها، تازه آن را آورده‌اند تا از آن، استفاده کنند! پس شما، فلسفه لازم دارید و باید به‌روز باشید.<sup>[۱۴]</sup>

آنچه را به نظر می‌رسد علاج [کاستی‌های حوزه] است، فهرست‌وار مطرح می‌کنم: ... ایجاد رشته‌های مستقل، مثل فقه و کلام است. فقه، یک رشته اصلی در حوزه علمیه است؛ کلام هم، باید یک رشته اصلی باشد. نگویید که حالا، چند ساعت هم، درس کلام می‌گذاریم! نه؛ طلبه باید تا جایی بخواند؛ بعد، طرف فقه یا کلام برود. به‌عنوان یک رشته اصلی در حوزه، باید مجتهد در کلام هم داشته باشیم.<sup>[۱۵]</sup>



## ۲) سوق دادن طلاب به سمت پاسخگویی

فهم سیاسی و هدایت سیاسی حوزه، بایستی بسیار سطح بالا باشد. امروز طلاب و فضایی حوزه علمیه، در سرتاسر کشور منتشر می‌شوند. این طور نیست که مردم از آنها بخواهند، به رأی‌شان فقط مسئله و رساله توضیح بدهند - اگرچه آن را هم می‌خواهند، آن هم نیاز مردم است - بلکه امروز راجع به مسائل منطقه و سیاست‌های گوناگون جهانی و مسائل داخلی هم از روحانی سؤال می‌کنند. اگر سؤال هم نکنند، او باید متصدی پاسخگویی بشود.<sup>[۱۶]</sup>

ج) تربیت کارشناسان پاسخگویی و گسترش کمی پاسخگویان در حوزه علمیه مسئولیت اساسی که امروز، طلبه جوان و فاضل حوزه علمیه بر دوش دارد، ... مواجهه با امواج فکری و آماده‌شدن برای مقابله و مبارزه [است]؛ که این مبارزه، لزوماً منبررفتن و نوشتن نیست؛ اما لزوماً با تولید و پرورش فکر همراه است؛ و البته این، به مقدمات احتیاج دارد که در درجه اول، درس خواندن است. طلبه‌های جوان، فراموش نکنند؛ باید درس بخوانند؛ ... بی‌مایه، فطیر است! باید مایه داشته باشید؛ اگر بخواهید این نهضت، یک گوشه کار را بگیرید و مؤثر باشید، باید عالم و دانا باشید. اگر بخواهید در مقابل کسی که تحت عنوان قرائت‌های مختلف دینی، هر رطب و یابسی که به زبانش می‌آید، به دین نسبت می‌دهد، حرف دین را بزنیید، باید بتوانید سفسطه او را بشناسید؛ تا سفسطه و مغالطه را باز کنید. در وارد شدن به وادی تفکرات دینی، مثل هر چیز دیگر، به علم و سواد این کار، احتیاج است.<sup>[۱۷]</sup>

...حوزه علمیه باید مثل یک کارخانه تأمین‌کننده نیازهای جامعه، مرتب کار کند و محصول خود را که همان محققان، مبلغان، مدرّسان، مؤلفان و انواع قشرهای روحانی هستند، بیرون دهد. حوزه باید برنامه‌ریزی کند و مشخص باشد که مثلاً پنج سال دیگر چه تعداد مبلغ مناسب برای مناطق گوناگون دنیا و داخل کشور تربیت می‌شود. همچنین در زمینه مسائل قرآنی، تفسیر، دیگر علوم حوزوی و نیز تربیت مدرّس برای دانشگاه‌ها و دروس معارف اسلامی و نیز تربیت محقق و مؤلف برای پاسخگویی و مقابله با شبهات، برنامه‌ریزی منظم و مرتبی داشته باشد.<sup>[۱۸]</sup>



## شاخصه‌های کارشناسان پاسخگویی مطلوب

جوان ما، می‌خواهد پرسد و بداند؛ نباید به او گفت: «نپرس!» اگر پرسید، نباید رو ترش کرد! هنگامی که پرسید، باید گره ذهنی او را باز کرد؛ این کار، به علم و تعهد احتیاج دارد؛ گره‌گشای عقده‌های ذهنی، هم باید عالِم باشد و بداند با چه چیزی مواجه است و چگونه باید آن را علاج کند؛ هم باید دلسوز باشد؛ چون کار سختی است. گاهی با یک بار نشستن، با یک بار گفتن و با یک بار شنیدن، مقصود حاصل نمی‌شود. در برخی مواقع، بیمار - که شما طبیب او هستید - بداخلاقی می‌کند؛ باید با این بداخلاقی و دشواری، ساخت و این گره را باز کرد.<sup>[۱۹]</sup>

### (۱) خودسازی علمی و اخلاقی

امروز، مخاطب شما، جوانان‌اند؛ روی آنها باید کار کنید... در پاسخ مشکل او، حتماً بایستی عالمانه سخن گفت. رژیم پهلوی در طول تبلیغات متوالی خود، به قشر دانشگاهی... این‌طور تفهیم کرده بود که کسانی که عمامه سرشان است، در دستگاه‌شان، از علم و سواد، خبری نیست!... البته نمی‌شد آن دانشگاهی را ملامت کرد؛ از فقه و مبانی فقهی و متد فقاقت و امثال اینها، سر در نمی‌آورد...؛ احیاناً ممکن بود... پای یک منبر هم بنشیند که منبری آن، خیلی عمیق و اهل علم نبود؛ لذا آن نظریه، تأیید می‌شد!

شروع نهضت اسلامی و ورود فضایی جوان به محیط‌های دانشگاهی، به کلی، این تصور را به هم ریخت؛ دیدند نه؛ اینها، اهل علم‌اند و اهل فکرند؛ اهل منطق و استدلال‌اند!... لذا وجهه علمی پیدا شد. تا چه موقع، این وجهه باقی می‌ماند؟ تا آن وقتی که این نسل، همواره در مقابل سؤال‌های خود، پاسخ عالمانه بشنود. عزیزان من! ما به این احتیاج داریم؛ بی‌مایه فطیر است! طلبه جوان و فاضل، هم باید درس خودش را خوب بخواند؛ هم باید مطالعات اسلامی را عمق بدهد؛ تفسیر را عمیقاً مطالعه کند؛ خودش را با فلسفه آشنا کند و از تاریخ، مطالب زیادی بداند.<sup>[۲۰]</sup>

درستان را خوب بخوانید تا عالم بشوید و بتوانید جواب نیازهای مردم را بدهید... بعد هم «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ.» خودمان، خودمان را بایستی تک‌تک تأدیب و تربیت کنیم تا ان‌شاءالله مفید باشیم.<sup>[۲۱]</sup>





## ۲) فعالیت مستمر و تلاش بی وقفه در عرصه پاسخگویی

... مرحوم شهید مطهری رحمته الله علیه در میدان مبارزه با افکار التقاطی فعال بود؛ حقیقتاً هم پهلوان این میدان بود؛ اما شهید مطهری چرا موفق شد؟ چرا این اثر عمیق و گسترده را از جهت ایجابی و سلبی در جامعه فکری ما گذاشت؟ چون برای آماده‌سازی خود، تلاش فراوان علمی کرده بود؛ بعد هم برای خرج کردن این ذخیره علمی، به هیچ وجه سستی و کوتاهی نکرده بود. مرحوم شهید مطهری آرام [و قرار] نداشت؛ مرتب مشغول یادداشت کردن، تنظیم یادداشت، مرتب کردن سخنرانی‌هایی که خود او انجام داده بود، به دست آوردن شواعب گوناگون و نوبه‌نو در زمینه‌های فکر و اندیشه مذهبی و دینی، و پاسخگویی به انحرافات بود. در این مرد اصلاً تبلی وجود نداشت؛ لذا با آن ذخیره علمی و کارآمدی عملی توانست اثر بگذارد. امروز ما حقیقتاً ریزه‌خوار سفره انعام فکر شهید مطهری هستیم - در این هیچ تردیدی نیست - و فضای فکری جامعه همچنان مرهون فکر او در زمینه‌های گوناگون، چه در زمینه‌های فلسفی، چه در زمینه‌های اجتماعی دینی و چه در زمینه‌های سیاسی دینی است. ما امروز به ایشان احتیاج داریم؛ ولی آن هم باز کافی نیست. خیلی از حرف‌ها جدیدتر و تازه‌تر است؛ خیلی از شائبه‌ها و اشکالات و شبهات بعد از حرف‌های شهید مطهری به وجود آمده؛ باید برای اینها آماده پاسخ بود؛ لذا حوزه‌های علمیه و وظیفه سنگینی برعهده دارند.<sup>[۲۲]</sup>

## ۳) روحیه قوی و تأثیرناپذیری

به نظر من از جمله عناصری که در اینجا لازم است، روحیه قوی است. مبادا در مقابل تهاجم‌هایی که می‌شود و حرف‌هایی که مطرح می‌گردد، ضعف روحیه پیدا کنید. در درجه اول، این مهم است. خیال نکنید چند سالی گذشته و ضعف‌های حکومت اسلامی آشکار شده و نمی‌شود کاری کرد؛ نه، قضیه این‌طوری نیست. ما هنوز اول راه قرار داریم؛ امروز کارهای فراوان و عظیم و قدم‌های بلند در انتظار ماست.<sup>[۲۳]</sup>

## ۴) آشنایی با اوضاع عالم، کشور و مسائل سیاسی

ان شاء الله که شما آقایان موفق باشید. درستان را خوب بخوانید تا عالم بشوید و بتوانید جواب نیازهای مردم را بدهید. در کنار درس، از اوضاع عالم و کشور و مسائل سیاسی مطلع باشید که اگر بی‌اطلاع باشید، به درد پاسخگویی به نیازهای مردم

نخواهید خورد؛ این را صریحاً به شما می‌گویم. باید بدانید که در مملکت و در دنیا چه می‌گذرد و نیازهای مردم چیست. عالم هم باشید، تا آن وقت مفید باشید؛ والا مفید نخواهید بود.<sup>[۲۴]</sup>

باید خودتان را با تفکرات عمیق و صحیحی که امروز بحمدالله، نمونه‌ها و مظاهر بسیار خوبی در محیط فکری ما دارد، آشنا کنید و با افکار و سوالات و شبهات جوانان، مواجه شوید، به‌روزبودن روحانیت در همه مسائل - چه در مسائل اعتقادی، چه در مسائل فرعی و چه در مسائل سیاسی - بسیار مهم است.<sup>[۲۵]</sup>

۵) داشتن ذوق ادبی و توان برقراری مفاهمه با مخاطب

بعضی از چیزها هست که مردم، به آنها محتاج نیستند؛ فرض بفرمایید در مورد شعر و ادب؛ مردم در باب شعر و ادب، به حوزه علمیه، محتاج نیستند؛ اما اگر حوزه علمیه بخواهد اثرگذار باشد، نمی‌تواند از ادبیات، از شعر و از ذوقیات، دور بماند.

... ما یک مشت آدم خشک جامد بی‌اطلاع از همه نشانه‌های ذوق و ادب درست کنیم و به درون جامعه بفرستیم؛ آنها اصلاً، جایی باز نخواهند کرد!... حوزه علمیه، فقط فقه و اصول و کلام و فلسفه نیست؛ ادبیات هست؛ عرفان و ذوق هم هست؛ اینها هم، جزء کارهای حوزه است؛... غیر از اینها، زبان خارجی هم هست؛... بعضی‌ها می‌گویند: «طلبه‌ها را مشغول می‌کنید!» درحالی که امروز، وسیله تفاهم است! همه این کارها،... جزء کارهای علمی است. در کنار آن، همین بحث اخلاق هم که مطرح می‌شود، جزء کارهای علمی و کارهای پرورشی است.<sup>[۲۶]</sup>

د) به‌کارگیری امکانات و حمایت‌های دولتی

مقابله با این تهاجم، پول و بودجه، امکانات و پشتیبانی‌های سیاسی دولت را می‌خواهد؛ اما دولت، پول بدهد و پشتیبانی بکند که چه بشود؟ طبیعی است که فکری، پخش بشود؛ آن فکر، کجا تولید خواهد شد؟ آیا آن هم، در دولت است یا در حوزه؟<sup>[۲۷]</sup>

ه) ارزش‌دهی مناسب در حوزه‌های علمیه به جایگاه پاسخگویی

در گذشته، اگر کسی می‌خواست در حوزه، مقام علمی پیدا کند، بایستی به تفسیر نمی‌پرداخت! یک آقای ملای محترم عالمی، فرضاً اهل تفسیر باشد و مردم از تفسیر او





استفاده کنند؛ بعد برای خاطر آنکه این درس، موجب می‌گردد او به بی‌سوادی شهره بشود، این درس را ترک کند! شما را به خدا، این، فاجعه نیست؟!

باید عکس این باشد؛ یعنی بگویند: «آقای فلانی، متخصص و استاد بزرگ تفسیر است؛ ایشان، متخصص در فلسفه است؛ ایشان، متخصص در تاریخ است!» یعنی باید عنوانی در حوزه باشد. این طور چیزها، باید در حوزه ارزش پیدا بکند؛ کما اینکه در گذشته هم، از این چیزها بوده است.

در همین زمان خود ما، مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله در حدی بود که اگر منحصر به فقهت می‌شد، یقیناً به مرجعیت تقلید می‌رسید؛... اما ایشان آمد [و] مشغول فلسفه گردید و رکنی شد و بعد از آنکه در قم، هیچ نشان قابل توجهی از فلسفه نبود، آن را احیا کرد؛... حوزه‌ها، باید این طور باشند. این گونه نباشد که همه، باید رشته فقهت را بگیرند؛ نه‌خیر؛ طلبه باید بداند که اگر رشته تاریخ یا تفسیر یا فلسفه یا کلام یا علوم قرآن یا بقیه علوم اسلامی را پیمود، ارزشی در انتظار اوست و ارزش‌گذاری مناسبی می‌شود. <sup>[۲۸]</sup>

(و) سوق دادن پژوهش‌ها به سمت پاسخگویی به نیازهای فکری مخاطبان امروز در حوزه علمی قم، خوشبختانه، بخش‌های تحقیقاتی زیادی وجود دارد که بعضی مربوط به حوزه، بعضی مربوط به خارج حوزه و بعضی مربوط به بخش‌های خصوصی است.

طلاب و فضایی جوان، کارهای تحقیقاتی انجام می‌دهند؛ اینها را باید با تدبیری، مدیریت حوزه، مکمل هم کند؛ به طوری که از مجموعه این تحقیقات، یک منظومه کامل برای رصد کردن هجوم فکری و تبلیغاتی دشمن و امکان مقابله با این هجوم، به وجود آید. امروز برای طلاب، اغلب این تحقیقات در بخش‌های مختلف، جنبه کاربردی پیدا خواهد کرد.

باید طوری انتخاب شود که هرکس می‌خواهد یک مجموعه کاری تحقیقاتی درست کند، با مدیریت حوزه مشورت کند؛ با او، در میان بگذارد؛ توصیه او را به طور الزامی، بپذیرد و آنها بدانند چه کار می‌کنند. یک نگاه کلی به برنامه و کار تحقیق در

حوزه، باشد؛ کارهای تکراری، بیهوده و بی‌فایده وارد مسئله تحقیقات نشود و وقت‌های حوزه را از بین نبرد؛ این، کار بسیار لازمی است.<sup>[۲۹]</sup>

مجموعه کارهای پژوهشی حوزه، باید بتواند یک جمع کامل و یک منظومه کامل را به‌وجود بیاورد؛ تا همه نیازهایی را که حوزه، متصدی و مهتم به آن است، پوشش بدهد... توی مجموعه [نمایشگاه مراکز علمی پژوهشی حوزه علمی قم] این، احساس نمی‌شود!

...این پایگاه‌ها و مراکز تحقیقی که هدفش، دفاع از دین یا... کمر بستگی برای ترویج دین و نشر معارف اسلامی است، باید جوری تنظیم بشود... که در مجموع، از همه طرف، این مقصود حاصل بشود... اگر همه قبول بکنند... مدیریت حوزه، ... یک بخش از کار خودش را همین قرار بدهد که ببیند کجا خلاً تحقیقی وجود دارد؛ ... یا احیاناً اگر بخشی از کارها تکراری است، آن تکرارکنندگان را هدایت کند... کاری کند که در مجموع، یک پوشش همه‌جانبه‌ای به‌وجود بیاید... تا این کار تحقیق، از پراکنده‌کاری خلاص بشود.<sup>[۳۰]</sup>

ادامه دارد...





### پی‌نوشت‌ها:

- [۱] بیانات در دیدار علما و روحانیون شهرری در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم علیه السلام، ۱۳۷۳/۸/۵.
- [۲] بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه، ۱۳۸۳/۳/۱۰.
- [۳] سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۸/۰۹/۰۷.
- [۴] سخنرانی در دیدار با اساتید، مسئولان، فضلا و طلاب بنیاد فرهنگی باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۶۸/۱۱/۰۱.
- [۵] بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۹/۶/۲۰.
- [۶] سخنرانی در دیدار علما و روحانیون استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۵.
- [۷] همان.
- [۸] همان.
- [۹] پیام به همایش جهانی حکمت مطهر، ۱۳۸۳/۰۲/۰۶.
- [۱۰] بیانات در دیدار اعضای کنگره حکمت مطهر، ۱۳۸۲/۱۲/۱۸.
- [۱۱] بیانات در اجتماع بزرگ طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.
- [۱۲] بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی حوزه‌های علمیه، ۱۳۷۷/۷/۹.
- [۱۳] همان.
- [۱۴] بیانات در دیدار با علما و طلاب قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۵.
- [۱۵] بیانات در جمع فضلا و نخبگان حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴/۹/۱۴.
- [۱۶] بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹/۱۱/۰۴.
- [۱۷] بیانات در دیدار طلاب و روحانیون اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۸.
- [۱۸] بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۴/۰۶/۱۴.
- [۱۹] بیانات در دیدار علما و روحانیان، ۱۳۷۱/۵/۷.
- [۲۰] بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۵/۲/۲۶.

- [۲۱] بیانات در مراسم عمامه‌گذاری گروهی از طلاب، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.
- [۲۲] بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۱.
- [۲۳] بیانات در دیدار اعضای هیئت علمی کنگره امام خمینی (ره)،  
۱۳۷۸/۱۱/۰۴.
- [۲۴] بیانات در مراسم عمامه‌گذاری گروهی از طلاب، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.
- [۲۵] بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب قم، ۱۳۶۸/۹/۷.
- [۲۶] بیانات در دیدار جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۲/۲۲.
- [۲۷] بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب قم، ۱۳۶۸/۹/۷.
- [۲۸] بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱.
- [۲۹] بیانات در اجتماع بزرگ اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم، در مدرسه فیضیه قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴.
- [۳۰] بیانات در اجتماع محققان و پژوهشگران حوزوی مراکز علمی پژوهشی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۷/۱۵.

